

شکاف نسلی در ارزشها: بررسی مقایسه‌ی جوانان و سالمندان

علی اصغر عباسی اسفجیر^۱، شیما سام^۲، ریحانه امیریان^۳

تاریخ پذیرش: 92/1/31

تاریخ تصویب: 92/5/29

چکیده

امروزه بیش از دهه‌های گذشته شکاف نسلی مورد توجه قرار گرفته است. شکاف نسلی تفاوت در بینش و ارزشهای میان دو نسل بخصوص جوانان و والدینشان می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان شکاف موجود بین ارزشهای جوانان و سالمندان شهر بابل صورت گرفته است.

این پژوهش بر روی 240 نفر از جوانان و سالمندان شهر بابل (120 نفر جوانان 30-18 و 120 نفر سالمندان بالای 60 سال) انجام شده است. روش پژوهش، پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. داده‌ها به وسیله پرسشنامه‌های استاندارد شده (طبقه‌بندی ارزشی شوارتز) با 57 گویه در طیف لیکرت جمع‌آوری شده است که اعتبار و روایی آن تأیید گردیده است. نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS، روش آماری توصیفی و آزمون تی تست مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها نشان داد که دو گروه سنی از نظر ارزش‌های فردی تفاوت معناداری با هم داشته‌اند ($p > 0.05$). البته قابل ذکر است که در تمامی موارد مطرح شده جوانان و سالمندان اهمیت موضوع را ادعان داشته‌اند اما میزان اهمیت و اولویت بندی آنها متفاوت بوده است.

نگاه توصیفی - تحلیلی و حتی به گونه مشاهده مستقیم یا تجربی، حاکی از تغییر فضای فرهنگی - فکری دو نسل حاضر می‌باشد. که نیاز به تعمق بیشتری دارد.

1- استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی بابل، ایران.

2- استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بابل، ایران. Email: sumshima@yahoo.com

3- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی.

کلید واژه‌ها: نسل، شکاف نسلی، تفاوت نسلی، جوانی، سالمند

مقدمه

شکاف نسلی، به عنوان مفهومی که اختلاف فاحش روانی، اجتماعی و فرهنگی و تفاوت معنی دار در بینش و آگاهی، باورها تصورات، انتظارات، جهت گیریهای ارزشی و الگوهای رفتاری میان دو یا چند نسل همزمان در یک جامعه را مورد توجه قرار می دهد، موضوع بحث و بررسی دیرینه و مشترک علمای اجتماعی بویژه روانشناسان، روانشناسان اجتماعی، مردم شناسان فرهنگی، علمای سیاسی و نیز جامعه شناسان بوده است. (توکل و دیگری، 1385: 96)

از گذشته بسیار دور معمولاً اختلاف نظر و تنازع بین دو نسل وجود داشته است ولی این اختلاف تا زمان پیدایش جامعه صنعتی جدید، مسأله چندان جدی و مهمی نبوده است. این اختلاف از قرن بیستم به بعد با توجه به تحولات سریع جوامع انسانی نمایانتر شده است. دلیل بروز چنین شکافی، وجود نقص یا نابسامانی در فرایند اجتماعی شدن است. بطور خلاصه می توان گفت کودک پس از تولد از طرق مختلف - مانند نهاد خانواده، مدرسه، نهادهای مذهبی و دوستان - اجتماعی می شود و در مرحله پیشرفته‌تر، نهادهای سیاسی، عهده دار اجتماعی شدن جوانان هستند. در واقع این نهادها به مرور زمان به جوانان می آموزند که چگونه رفتار، فکر و قضاوت کنند. به عبارت دیگر فرهنگ جامعه از طریق این نهادها به جوانان منتقل می شود و آنان نیز این فرهنگ را درونی می نمایند و در مراحل دیگر عهده دار انتقال آن به نسلهای بعدی می شوند. با وجود این، مسأله فوق منجر به این نمی شود که فرزندان و نسل جدید به طور کامل مثل قبل شوند زیرا: اولاً در میان یک نسل گرایش ها و سلیق و افکار مختلف وجود دارد، ثانیاً نسل پیشین نیز خود در حال تغییر و تحول است. به عبارت دیگر به تعبیر «باتامور» می توان گفت که جامعه پذیری هرگز کامل نیست، نسلهای جدید تمامی رفتارهای نسل پیشین را به طور کامل تکرار نمی کنند. بلکه این تکرار همراه با انتقاد یا رد برخی از جنبه‌های سنتی و یا نوآوری می باشد. (باتامور، 1370: 342) ویل دورانت بیان می دارد که، جوانی یعنی انتقال از بازی به کار و از وابستگی خانوادگی به اعتماد به نفس. «نسل جوان امروز خواهان زندگی بهتر، آزادیهای شخصی بیشتر و تمایل به گسترش عدالت اجتماعی و نیز مشارکت بیشتر در امور و خواسته ها و توقعات بسیار است» تمایلاتی که بعضاً با

ساختارهایی مانند خانواده یا نسل‌های پیشین در تعارض است. جامعه ای که در حال گذار قرار می‌گیرد استعداد و آمادگی بیشتری را برای تولید شکاف‌های اجتماعی از جمله تفاوت و شکاف نسلی دارد. چنانچه نظام اجتماعی ایران یک جامعه در حال گذار می‌باشد و در گذار تاریخی خود با حوادث و مشکلات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی زیادی مواجه شده است، این حوادث و مشکلات سبب تغییر در نهادهای اجتماعی، فرهنگی و همچنین موجب بروز رفتارهای متفاوت بین دو نسل گردیده است که از این امر تحت عنوان شکاف نسلی یاد می‌کنند. (نراقی، 1355: 32)

در شرایط عادی اغلب هر نسل با اعضای نسل بعد از خود در ارزش‌ها یا هنجارها و نگرش‌ها تفاوت معنادار جزئی پیدا خواهد کرد. این امر کاملاً طبیعی بوده و نشأت گرفته از آن است که هم نسلان متن زندگی را به دلیل همسن و سال بودن، همسان می‌خوانند و شبکه‌ای همخوان و منسجم از نقشها و جایگاه‌های اجتماعی را اشغال می‌کنند که تا حدی متفاوت از گروه‌های سنی دیگر است. در واقع این تفاوت ریشه در عوامل روانشناختی (شرایط متفاوت عاطفی و روانی) و نیز شرایط اجتماعی و الگوهای نقشی متفاوت آنان دارد. دو نسل گاه ممکن است درگیر گسست نسلی شوند به این معنا که اختلافی در ارزشها و هنجارها و نگرشهای نسل جدید و قدیم وجود داشته باشد که منجر به جدایی دو نسل و طغیان نسل جدید در نسل گذشته گردد. این وضعیت منجر به گسسته شدن پیوندهای وابستگی جوانان از والدین و نسل قدیم خود شده و گاه در این مسیر به گردن‌کشی و طغیان‌گری می‌پردازند. در این میان اغلب جوانان نسل قدیم خود را به عنوان گروه مرجع خود نپذیرفته و افراد دیگری را به عنوان الگو مورد همانندسازی قرار می‌دهند که ممکن است منجر به بروز آسیب‌های اجتماعی گوناگون در آنان شود.

رایج‌ترین مفهوم به کار رفته درباره‌ی اختلاف نسلی، مفهوم شکاف نسلی است. در فرهنگ آکسفورد شکاف نسلی به عنوان اختلافی در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمند تعریف شده است که موجب عدم فهم متقابل آنها از یکدیگر می‌شود. (معیدفر، 1387) تفاوت در نظام ارزشی والدین و فرزندان جوانان، که به نوعی شکاف نسلی را آشکار می‌سازد، مسأله مشترک جهان معاصر بویژه جوامعی مانند کشور ما ایران است که به سرعت تحول می‌یابد. از مظاهر مهم این شکاف، تغییر موقعیت اجتماعی نسل جوان معاصر به شکلی بی‌سابقه است. از وجوه مهم تغییر موقعیت نسل‌های جوان معاصر

می‌توان کاهش روز افزون تأثیر سنت، میراث و اقتدار جامعه بزرگسالی بر نسل‌های جوان‌تر در افزایش آگاهی، مهارت و توانایی نسل جدید در مواجهه با زندگی و جهان جدید در مقابل ناتوانی و نداشتن مهارت نسل‌های سالمند و ناکارآمدی نهادهای سنتی نظیر خانواده، نظام آموزشی و نهادهای فرهنگی دیگر در انطباق خود با تحولات پرشتاب و پیچیده‌ی عصر جدید را نام برد. (توکلی و دیگری، 1385: 97 و 96). متفکران بر این عقیده اند که شکاف نسلی در پی دورانی از تغییرات فرهنگی سریع ایجاد می‌شود که ممکن است تفاوت چشمگیری در باورهای فرهنگی و نیز اخلاقی نسلها ایجاد کند. در ایران به نظر می‌رسد که با توجه به رخدادهای سیاسی در چند دهه گذشته اگر چه گام‌های مهمی در جهت توسعه اقتصادی، اجتماعی برداشته شده است اما هنوز به مرحله توسعه اجتماعی وارد نشده ایم چرا که به واسطه انقلاب و پدیده جهانی شدن تغییرات فرهنگی شدیدی را تجربه کرده‌ایم که ممکن است موجب شکاف نسلی شده باشد. (معیدفر، 1383: 55-80) لذا در این طرح بر آن شده‌ایم که به بررسی این شکاف در دو نسل جوان و سالمند که هر دو از گروه‌های آسیب پذیر جامعه اند بپردازیم. هدف از اجرای این پژوهش بررسی مقایسه‌ای شکاف نسلی در ارزشهای جوانان و سالمندان شهر بابل می‌باشد. پرسش اساسی که در این باره مطرح می‌شود این است که آیا نسل قبلی (سالمندان) بخوبی توانسته است ارزش‌ها و هنجارهای خود را به نسل جدید منتقل کند؟ و نیز آیا نسل جدید (جوانان) به ارزش‌ها و هنجارهای نسل قدیم پای‌بند است؟

این مطالعه قصد دارد با تعیین میزان شکاف موجود بین ارزشهای جوانان و سالمندان شهر بابل به بررسی تفاوت‌های بین دو نسل بپردازد، با شناخت تفاوت میان ارزشها و نگرشهای جوانان و سالمندان می‌توان به اصلاحات اساسی در برنامه‌هایی که در جهت درونی کردن ارزشها و هنجارها برای نسل جدید طراحی شده است، بیشتر اندیشید و آنرا بهینه کرد. در تحقیق حاضر، ارزشها در برگزیده ارزشهای فردی می‌باشد، ارزشها به عنوان جزئی از فرهنگ، حضوری فعال و سیال در دیگر عرصه‌های زندگی اجتماعی دارند. تفاوت در ارزشهای دو نسلی که در کنار یکدیگر هستند عامل منفی بر تعاملات سازنده بین آنها در گستره اجتماع و هدر رفتن نیروی آنان خواهد بود. شکاف ارزشی، هر دو نسل را در حالتی از اضطراب و تردید قرار می‌دهد. در سالمندان به دلیل عواقب دل‌کندن از آنچه که با آنان زندگی کرده اند، و در نسل جوان به دلیل تردید از یافتن حقیقت ارزشها در جامعه، تفاوت و شکافی در بینشان ایجاد شده

است که اهمیت آنها بر کسی پوشیده نیست. ارزشها در ابعاد مختلف کنش تأثیر عظیمی در پی دارند که در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی اعضای جامعه در کوتاه مدت و بلند مدت قابل مشاهده است. بیشترین کنش افراد ناشی از درونی شدن ارزشهای جامعه در طی رشد فرد است و درونی شدن ارزشها در هر نسل به پیدایش نسل ارزشی آن جامعه در مقطعی خاصی می انجامد و این درجه‌ای است که از آن می‌توان به مسأله شکاف نسلیها و بحران ارزشها در حوزه‌هایی از حیات نگریست و درباره آن تأمل کرد. هدف اصلی این پژوهش تعیین میزان شکاف موجود بین ارزشهای جوانان و سالمندان شهر بابل بوده است. لذا به اجمال به بررسی پیشه تحقیق خواهیم پرداخت.

در ایران تا قبل از دهه ی 1360 بحثی از مطالعه نسل‌ها وجود نداشته است. اگر مطالعه‌ای هم صورت گرفته بیشتر تأکید بر آمار و ارقام و مقایسه جمعیت آماری به لحاظ سنی در مقایسه با جمعیت گروه‌های سنی بالاتر است. یک اشکال اصلی که وجود داشته است نادیده گرفتن مقتضیات اجتماعی رشد و کنترل جمعیت است. به عبارت دیگر به لحاظ غلبه رویکرد جمعیت شناختی و از طرف دیگر فقدان اندیشه جامعه شناختی در بررسی پدیده‌ی نسلی، این موضوع بیشتر امری جمعیتی تلقی می‌شده تا اجتماعی. (آزاد ارمکی، 1386: 30) در بررسی‌های به عمل آمده در این زمینه مطالعات بیانگر وجود فاصله نسلی بوده اند اگر چه هر یک تنها ابعاد محدودی را مورد بررسی قرار داده‌اند و نتایج متفاوتی اعلام شده است. در ذیل به بیان چندی از مطالعات انجام شده می پردازیم: معیدفر در مطالعه خود در زمینه شکاف نسلی یا گسست فرهنگی چهار دیدگاه را در مورد شکاف در ایران مطرح کرده است: دیدگاهی که از وجود شکاف بزرگ در ایران دفاع می‌کند، دیدگاهی که به وجود تفاوت نسلی اعتقاد دارند، شکاف یا گسست نسلی، دیدگاهی که مسأله اصلی را گسست فرهنگی می‌داند نه گسست نسلی و دیدگاهی که با بیم و امید به این پدیده نظر دارد که اگر شرایط فعلی جامعه ایران به درستی مدیریت نشود می‌تواند زمینه ساز گسترش تفاوت نسلی تا سرحد شکاف نسلی باشد. نتایج تحقیق وی که از داده های طرح ملی تحول ارزشها و نگرش‌های ایرانیان جمع‌آوری شده است نشان دهنده این است که در هر سه حوزه ارزش‌های دینی، سیاسی و اجتماعی، در برخی زمینه‌ها تفاوت زیادی در میان جوانان و بزرگسالان مشاهده نمی‌شود ولی در برخی زمینه‌ها تفاوت زیادی در میان جوانان و بزرگسالان دیده می‌شود و در طی زمان محقق به این نتیجه رسیده است که تفاوت‌ها نشان از نوعی گسست فرهنگی

است نه شکاف نسلی. (معید فر 1383) در مطالعه ای که توسط قاضی نژاد در زمینه نسل‌ها و ارزش‌ها و بررسی و تحلیل جامعه شناختی گرایش‌های ارزشی نسل جوان و بزرگسال انجام شد نویسنده اینچنین نتیجه گیری کرد که هر چند برخی شباهت‌های ارزشی به ویژه در زمینه ارزشهای مرتبط با سطوح اجتماعی و ملی نظری نظم و امنیت، همکاری و توسعه درمیان سه نسل وجود دارد، در حضور شمار قابل ملاحظه ای از تحولات و جهت گیری ارزشی نظیر ارزشهای مربوط به اعتقاد و پابندی مذهبی، رقابت و سبقت جویی، آینده نگری، تاهل، جهت‌گیری مثبت نسبت به دیگران و نیز جهت گیری ارزشی فردگرایانه و مجموعه ارزشهای ابزاری و شیوه‌های رسیدن به تمایلات ارزشی، بین سه نسل وعمدتاً بین نسل های سوم (جوان) و دوم (میانه) تفاوت جدی ومعناداری وجود دارد. هرچند تفاوت مشاهده شده به اندازه ای بزرگ نیست که بتوان درحال حاضر آن را به عنوان شکاف یا گسست نسلی تعبیر نمود و مساله فعلی جامعه ایران در بعد ارزش ها بیشتر تفاوت نسلی است تا شکاف نسلی. (قاضی نژاد، 1383)

عابدینی در سال 1385 در مطالعه خود به نگرش مردم نسبت به شکاف نسل‌ها و عوامل مرتبط با آن در شهر تبریز پرداخت. نتایج مطالعه وی حاکی از آن بوده است که دو گروه سنی جوان و سالمند از نظر ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تفاوت معناداری باهم دارند. همچنین از نظر رابطه، میزان اعتماد اجتماعی، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، میزان اوقات فراغت، مهاجرت و میزان تحصیلات با شکاف نسلی (در این دو گروه) تفاوت‌ها معنادار بود ولی تاثیر دوستان بر تفاوت‌های ارزشی شکاف نسلی معنادار نبود. همچنین مدل مسیر نیز نشان داد که در گروه سنی 16-24 ساله، دوستان بیشترین تاثیر (مستقیم) را بر شکاف نسلی داشته و در گروه سنی 45-54 ساله، بیشترین تاثیر (مستقیم) مربوط به رسانه‌هاست. (عابدینی، 1385: 78-101) با توجه به پیشینه تحقیق و تفاوت موجود در نتایج حاصل از مطالعات به عمل آمده ضرورت این پژوهش احساس می‌شود. در بخش بعد به بررسی چارچوب تئوریک پژوهش خواهیم پرداخت.

در پژوهش حاضر برای بررسی میزان شکاف نسلی در ارزش‌های فردی جوانان و سالمندان تئوری ساختی - کارکردی پارسونز مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. ارزش در اینجا به معنای درجه بندی، طبقه بندی و امتیاز بندی پدیده‌ها از خوب تا بد یا از مثبت تا منفی تعریف گردیده است. کیفیت زندگی

ما و چگونگی رفتار و مناسبات و روابطی که با دیگر مردم داریم، به طور مستقیم متأثر از نظام ارزشی است که به آن پایبندیم. در واقع ارزش‌ها، تعیین‌کننده‌ی الگوهای رفتاری، گفتاری و عملکردی ماست. که این ارزش‌ها شامل ارزش‌های فردی، مذهبی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی و... می‌باشند. ارزش‌های فردی آن دسته از ارزش‌های اخلاقی، اعتقادی و ... است که قوام آن‌ها و عرصه‌ی تحقق و وجود خارجی آن‌ها وابسته به خود فرد باشد. یعنی اگر فرد در محیطی تنها زندگی کند نیز قادر به تحقق و انجام آن باشد مانند توکل، تقوا، ذکر و یاد خداوند. تالکوت پارسونز (1902-1979) پیشرو نظریه پردازی ساختی- کارکردی جامعه‌شناسی ایالات متحده آمریکا به تأثیر رعایت ارزش‌ها و هنجارها به منظور برقراری نظم اجتماعی اشاره کرده است. وی می‌گوید نظم اجتماعی از قاعده‌هایی است که بر سود شخصی نظارت دارد و از توسعه نظام‌های ارزشی مشترک شیوه معناداری را در اختیار فرد قرار می‌دهد تا از میان مجموعه‌ای از کردارها، کردار مناسب را انتخاب کند. (استونز، 1379: 154) از نظر پارسونز ارزش‌های جامعه از طریق فرایند اجتماعی شدن یاد گرفته می‌شود و بر این اساس بین ارزش‌های فردی و ارزش‌های اجتماعی پیوند بوجود می‌آید. ارزش‌ها از طریق فرایند جامعه‌پذیری درونی می‌شود، به واسطه‌ی جامعه‌پذیری ارزش‌ها، امکان برقراری نظم اجتماعی در جنبه‌های (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی) ممکن می‌شود. (یعقوبی، 1386: 68)

پارسونز برای نظم اجتماعی اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل بوده و همچنین تأکید خاصی بر درونی کردن ارزش‌ها هنجارهایی دارد که از سوی جامعه تعیین می‌شود. در نظر او نظام اجتماعی به گونه‌ای عمل می‌کند که نیازهای کارکردی تأمین گردد و وحدت نظام اجتماعی حفظ شود. بنابراین در نظریات پارسونز دو نکته مشهود است: نظام فرهنگی و تأثیر آن بر رفتار فرد و نیازهای کارکردی در کل نظام اجتماعی. به همین دلیل نظام آموزش و پرورش نهادی است که افراد را در پذیرفتن نظم موجود یاری می‌دهد و نهایتاً منجر به کارکرد بهتر جامعه می‌شود و در همان حال، خود نیز به سازمان اقتصادی و سیاسی جامعه وابسته است. (توسلی، 1369: 178) پارسونز در کتاب ساخت کنش اجتماعی (1937)، درصد ترکیب مفاهیم سودگرایی، اثبات‌گرایی و ایدئالیسم بوده است او هر یک از سه دیدگاه فوق را نقد کرده و در صدد ایجاد دیدگاهی ترکیبی، تحت عنوان نظریه کنش ارادی برآمده است. نظریه کنش ارادی وی دارای عناصر زیر می‌باشد: "کنشگر" - "هدف و غایت، زیرا کنشگر غایت جوست" - کنشگر در

دستیابی به غایت در مقابل ابزار سیاسی قرار گرفته است - "کنشگر در مقابل شرایط متنوعی از قبیل شرایط زیستی و محیطی قرارداد که محدودیت‌هایی را برای او ایجاد می‌کند" - "رفتار کنشگر بواسطه ارزشها، نرم‌ها و دیگر باورها در انتخاب هدف و ابزار شکل داده می‌شود" و "تصور ذهنی کنشگر او را در انتخاب ابزار، جهت دستیابی به هدف هدایت می‌کند". (ریتزر، 1374)

مطلب فوق نشان دهنده این نکته است که کنشگر در انتخاب ابزار جهت دستیابی به هدف متأثر از: الف- شرایط زیستی، ارثی و محیطی و ب- عقاید، باورها و فرم‌های جاری در جامعه است. زیرا کنشگر و عامل در خلأ زندگی نمی‌کند. بلکه در محیطی طبیعی و اجتماعی در صدد کسب ابزار مناسب جهت دستیابی به اهداف مورد نظرش زندگی می‌کند. به عبارت دیگر اهداف مطلوب کنشگر، متأثر از شرایط خارجی و محیطی و عقاید باورها و ارزش‌های جاری در جامعه است. اهداف در هر جامعه‌ای متأثر از شرایط اجتماعی، فرهنگی و طبیعی (محیطی) تعریف می‌شوند. کنشگر از دو جهت متأثر از محیط و فرهنگ جامعه است. از یک سو به طور مستقیم در آن محیط و فرهنگ زندگی می‌کند و جامعه و محیط بر او اثر مستقیم دارند. از جهت دیگر به طور غیر مستقیم کنشگر به واسطه انتخاب اهداف که آن‌ها نیز متأثر از شرایط محیطی و فرهنگی بوده‌اند متأثر می‌شوند. در دیدگاه پارسونز، کنشگر مطلقاً آزاد نیست بلکه آزادی او به واسطه شرایط محیطی و فرهنگی محدود تعریف می‌شود. (آزاد ارمکی، 1388: 43-42)

با توجه به این سؤال که فردگرایی و انتخاب کنشگران در تحلیل کارکردی ساختی پارسونز چه جایی دارد؟ پارسونز به تحلیل سیستم اجتماعی به منزله نظام کنشی می‌پردازد. او در این تحلیل، به عناصری چون محیط، شرایط، هنجارها، نظام ارزشی و فرهنگی تأکید دارد. از طرفی او به وجود کنشگرانی با قدرت اختیار و تصمیم‌گیری نیز باور دارد. وی به وجود اهرم‌های مؤثری در کنترل فرد و ایجاد انسجام اجتماعی از قبیل مبادله، پول، قدرت و پاداش اشاره می‌کند و به لحاظ این که از طرفی فرد دارای رفتارهای نهادی شده است و از طرف دیگر انتخاب فردی وجود دارد و جامعه نیز در جریان استمرار و حرکت مداوم می‌باشد. سؤال فوق به این صورت نیز مطرح می‌گردد که «آیا این ویژگی‌ها نوعی دوگانگی بین فرد و جامعه ایجاد نمی‌کند؟» در پاسخ می‌توان گفت که از نظر پارسونز کلیت

سیستم در جهت کنترل فرد، جهت داده نشده است. بلکه انتخاب فردی در جریان تاریخی به آزادی تبدیل می شود. در این صورت فردگرایی، نهاد می شود و افراد مجبور به مطابقت دادن خود با شرایط و ارائه پاسخ‌های مناسب به نظام ارزشی و هنجارها می‌باشند. پارسونز به نزدیک سازی دو دیدگاه آزادی و اختیار مبتنی بر عقل و اثر شرایط محیطی اجتماعی بر رفتار نظر دارد. او مانند دیگر جامعه شناسان هم چنان متوجه چگونگی رابطه فرد و جامعه بوده و در پی ایجاد تعادل بین جبرگرایی اجتماعی و آزادی فردی بوده است. در این چالش او در جهت درونی سازی ارزش‌ها و هنجارها بواسطه‌ی جامعه و فرد از طریق استفاده از امکانات جامعه بوده است. (آزاد ارمکی، 1388: 43-44)

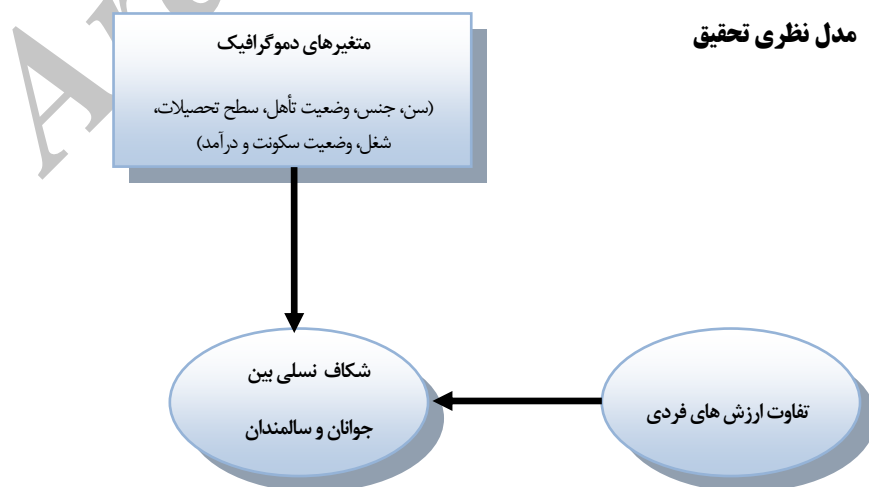
پارسونز پدیده شکاف نسلی را در مجموعه نظریه کنشی خود به صورت غیر مستقیم بررسی کرده است. براساس نظریه وی در عملی که از فرد سر می زند و او آن را کنش می‌نامد، سه عنصر شامل نظام فرهنگی، نظام رفتاری و نظام شخصیتی وجود دارد. این سه نظام محیط‌های درون کنشی نظام اجتماعی هستند. خاصیت کنش، معنی دار و ارادی بودن آن است و دارای جنبه نظام مند نیست. این کنش دارای ابعاد انسانی و اجتماعی است. اولین مرجع کنش فرد، نظام رفتاری است که در واقع رابطه بین انسان و محیط است که از طریق حواس صورت می‌پذیرد. در این قسمت انسان با حیوان مشترک است و کارکرد این نظام ایجاد وضعیتی مناسب برای انطباق با محیط است. این انطباق در حیوانات با تغییر ارگانیسمی همراه است، حال اینکه در انسان‌ها به یک روند اجتماعی تبدیل می شود و بعد فرهنگی می‌یابد و برتر از رفتار، تبدیل به کنش معنی دار می‌گردد. در نظر پارسونز نظام فرهنگی دارای سه جزء است: باورها، عقاید و هنجارها (ستار، 1388: 256).

این اجزاء در طول گذشت زمان در جامعه شکل می‌گیرد و از نسلی به نسل دیگر می‌رسند. در واقع ارگانیسم در فرایند تعامل با نظام فرهنگی، بخشی از موارد سه گانه فوق را در نظر گرفته و آنان را درونی می‌کند. به این اعتبار، شخصیت آدمی که در آن مجموعه از عقاید، باورها، اندیشه‌ها و هنجارها وجود دارد محصول رابطه ارگانیسم با نظام فرهنگی است. (همان: 257) پارسونز در مدل سیبرنتیکی خود طیف درونی شدن هنجارها و ارزش‌ها را به عنوان عناصر فرهنگی نشان می‌دهد که هر چند فرد ارزش‌ها را بیشتر درونی کرده باشد، احتمال اقدام او به کنشی که انحراف نامیده می‌شود کمتر است و برعکس.

سازمان‌ها و نهادهای درون جامعه ابزارهای درونی کردن الگوهای فرهنگی در میان کنشگران محسوب می‌شوند. چنانچه فرهنگی قادر نباشد نیازها و مطالبات فرد را پاسخ گوید، فرد فرهنگ دیگری را که در بازار مبادله موجود است برمی‌گزیند و به آن گرایش پیدا می‌کند. (عباسی و دیگری، 1386: 120)

بنابراین متناسب با نظریه پارسونز، کنشگر در متنی قرار می‌گیرد که شامل نهادها، هنجارها و ارزش‌ها و نمادها و دیگر کنشگران می‌شود و همان‌طور که بیان گردید از آنجایی که فرد در خلأ زندگی نمی‌کند و با محیط و اطرافش در ارتباط و تعامل است، هرگونه عاملی که سبب اختلال با دیگر کنشگران اطراف شخص شود یا هرگونه عاملی که سبب انتقال، ناقص هنجارها و ارزش‌های مندرج در نظام فرهنگی شود موجب سرگردانی و حیرانی کنشگر می‌شود و در نهایت به ایجاد فاصله اجتماعی و فقدان تفاهم بین کنشگر و دیگر کنشگران - والدین، سابقه داران مسئولان ذی‌ربط آموزش و پرورش و گروه‌های همسالان - و در نهایت منجر به ایجاد شکاف میان نسل‌های مختلف می‌شود، به عبارت دیگر جامعه‌پذیری و درونی کردن، ارزشها، هنجارها توسط کنشگر به تداوم فرهنگی و پیوند بین نسلی کمک می‌کند و ناتوانی در جامعه‌پذیری به شکاف نسلی منجر می‌شود.

فرضیات پژوهش عبارت است از: الف) بین ارزش‌های جوانان و سالمندان تفاوت معناداری وجود دارد. ب) بین دیدگاه جوانان و سالمندان در زمینه ارزش‌ها و نگرش‌های فردی تفاوت معناداری وجود دارد.



ابزار و روش

این پژوهش مقطعی بر روی 240 نفر از جوانان و سالمندان شهر بابل (هر گروه 120 نفر) انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل جوانان 18 - 30 ساله و سالمندان 60 سال به بالای شهر بابل بوده اند که براساس فرمول حجم نمونه زیر انتخاب گردیدند.

$$n = \frac{(z_1 + z_2)^2(1 - r^2)}{r^2} + 2$$

Z_1 = ضریب اطمینان 95٪ یعنی 1/96 است.

Z_2 = ضریب توازن 0/80 یعنی 0/84 می باشد.

X = برآوردی از ضریب همبستگی بین نمره ارزش های جوانان و سالمندان است که حداقل 0/2

می باشد.

$$n = \frac{(1/96 + 0/84)^2(1 - 0/2^2)}{(0/2)^2} + 2 = 190$$

تعداد نمونه با محاسبه ی این فرمول 190 نفر مناسب بوده است که با توجه به احتمال ریزش نمونه ها با تعداد نمونه ی 240 نفری کار شده است. در این تحقیق از روش پیمایشی با استفاده از پرسشنامه استاندارد شده (طبقه بندی ارزشی شوارتز) در قالب طیف لیکرت استفاده شده است (شوارتز و دیگری، 1380). ارزش های فردی آن دسته از ارزش های اخلاقی، اعتقادی و ... است که قوام آن ها و عرصه ی تحقق و وجود خارجی آن ها وابسته به خود فرد باشد. یعنی اگر فرد در محیطی تنها زندگی کند نیز قادر به تحقق و انجام آن باشد. پرسشنامه شوارتز مشتمل بر 57 گویه می باشد. بر اساس نظریه شوارتز ارزشها ممکن است در خدمت جمع یا فرد باشد. در پژوهش حاضر، 38 گویه از پرسشنامه شوارتز مورد استفاده قرار گرفت و این گویه ها مربوط به سنجش نگرش پاسخگویان درباره ی ارزش های فردیشان می باشد. سنجش این گویه ها براساس طیف لیکرت از خیلی مهم تا بی اهمیت بوده است که مواردی نظیر مدیون کسی نبودن، روابط صمیمانه و همراه با تعهد نسبت به همسر، سلامت خانواده،

سلامت فردی، احترام کردن به والدین و بزرگترها و زندگی هدفمند داشتن دل بستن به علائق دنیوی، جاه طلبی و بلندپروازی، تسلط بر دیگران، ثروت و مالکیت، فرصتهای مساوی برای همه افراد و احترام به سنتها را در بر می گیرد.

واحد تحلیل نیز در این تحقیق فرد می‌باشد. اعتبار و روایی گویه های ارزشهای فردی مربوط به پرسشنامه مقدماتی جوانان و سالمندان مورد تأیید قرار گرفته است آلفای کرونباخ $0/82$ برای ارزش های فردی جوانان و $86/$ برای سالمندان. داده های حاصل پس از ورود به نرم افزار آماری spss16 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جهت تجزیه و تحلیل از روش های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. روش آمار استنباطی مورد استفاده در این مطالعه شامل تحلیل واریانس ANOVA و آزمون T بوده است.

نتایج

یافته های پژوهش در زمینه جوانان: نتایج بیانگر آن بود که میانگین سنی جوانان شرکت کننده در طرح 24.5 ± 3.7 بوده است که از این میان 55.8% آنان مرد و 44.2% زن بوده‌اند. بیشتر آنان مجرد بوده (61 نفر) و بیش از یک سوم آنان دارای مدرک کارشناسی و یا دانشجوی کارشناسی بودند. از نظر توزیع شغلی بیشترین گروه را دانشجویان شامل می‌شدند (35.8%). قریب به اکثریت دارای منزل شخصی بودند (73.3%) که با والدین خود زندگی می‌کردند (63.3%). از این میان 32.5% با همسر و بقیه تنها زندگی می‌کردند. نیمی از آنان از نظر درآمد خود را در طبقه متوسط قرار دادند و تنها 3.3% درآمد خود را خیلی خوب معرفی نمودند. در ارتباط با ارزش های فردی نتایج بیانگر آن بودند که تقریباً نیمی از ارزش‌های پرسیده شده برای آنان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بودند. بطوری که با اهمیت ترین ارزش‌ها به ترتیب اهمیت از دیدگاه آنان عبارت بودند از: مدیون کسی نبودن، روابط صمیمانه و همراه با تعهد نسبت به همسر، سلامت خانواده، سلامت فردی، احترام کردن به والدین و بزرگترها و زندگی هدفمند داشتن بوده است. ارزش هایی که در جوانان از اهمیت کمی برخوردار بودند شامل: دل بستن به علائق دنیوی، جاه طلبی و بلند پروازی، تسلط بر دیگران، ثروت و مالکیت، فرصتهای مساوی برای همه افراد و احترام به سنتها بوده اند. (جدول شماره 1)

جدول شماره 1: توزیع درصد فراوانی دیدگاه جوانان در زمینه ارزش های فردی در شهر بابل

ردیف	گویه ها	بی اهمیت	کم اهمیت	تا حدودی	نسبتا مهم	خیلی مهم
1	همه ی انسانها باید از فرصتهای مساوی برخوردار باشند	11/7	11/7	28/3	20/00	28/3
2	داشتن قدرت اجتماعی و تسلط بر دیگران حائز اهمیت است	10/8	12/3	27/5	25	23/3
3	تمایل دارم که دیگران به من توجه داشته باشند	10	7/5	30	20/8	31/7
4	بایستی از زندگی خود لذت برد	2/5	3/3	10	10	74/2
5	هر انسانی بایستی فردی شایسته و توانمند باشد	3/3	0/8	15	22/5	58/3
6	روابط با همسر باید همراه با صمیمیت، تعهد و هیجان باشد	3/3	0/8	5/8	10	80
7	نظم اجتماعی (برقراری نظم در اجتماع)	0/8	4/2	7/5	21/7	65/8
8	دل بستن به علایق دنیوی	8/3	15/8	42/5	20/8	12/5
9	مؤدب و محترم بودن	17	1/7	6/7	20	71/7
10	ثروت و مالکیت	3/3	4/2	30	34/2	28/3
11	احترام به فرد	1/7	5	4/2	22/5	66/7
12	مدیون کسی نبودن	2/5	1/7	1/7	10/8	83/3
13	خلاقیت (داشتن فکری خلاق)	1/7	2/5	13/3	25	57/5
14	داشتن یک زندگی هیجان انگیز و همراه با تغییر	4/2	4/2	15	31/7	45
15	احترام به سنت ها (حفظ آداب و سنتهای زمانهای مختلف)	7/5	13/3	23/3	27/5	28/3
16	مستقل بودن در کارها و تصمیم گیری (اتکا به خود)	2/5	2/5	7/5	43/3	44/2
17	سلامت فردی (از نظر جسمی و روانی)	1/7	1/7	5/8	13/3	77/5
18	سلامت خانواده (داشتن خانواده سالم از نظر جسمی و روانی)	1/7	0	1/7	16/7	80
19	شان مناسب اجتماعی (داشتن احترام و تایید از سوی دیگران)	1/7	0/8	8/3	28/3	60/8
20	معتدل و میانه رو (دوری از احساس و اعمال افراطی و تند)	5	3/3	17/5	27/5	46/7
21	وفاداری (در قبال همسر، خانواده، دوستان)	2/5	4/2	6/7	17/5	69/2
22	جاه طلبی و بلند پروازی	18/3	20	28/3	15	18/3
23	داشتن دید باز (تحمل عقاید و آرای مختلف)	6/7	4/2	20/8	33/3	35
24	متواضع بودن (مغرور نبودن)	5	1/7	20	26/7	46/7
25	برخورداری از روابط اجتماعی مناسب (داشتن تماس با مردم)	3/3	5	11/7	33/3	46/7
26	پاک بودن و ساده زندگی کردن	5	1/7	2/5	24/2	61/7
27	احترام به والدین و بزرگترها	1/7	0	5	17/5	75/8
28	داشتن زندگی هدفمند	2/5	1/7	12/5	35	48/3
29	پذیرش سهم خود از شرایط و زندگی خود	0	4/2	8/3	22/5	65
30	صادق بودن (بی ریا و مخلص بودن)	0	4/2	8/3	22/5	65
31	با گذشت (خواهان بخشش دیگران)	0	2/5	20	21/7	55/8
32	حفظ ظاهر (محافظت از دیدگاه و نظر خود در قبال دیگران)	1/7	3/3	21/7	31/7	41/7
33	وظیفه شناس بودن در قبال دیگران	3/3	1/7	16/7	25/8	52/5
34	مفید بودن (قدم برداشتن برای رفاه زندگی دیگران)	2/5	3/3	20/8	31/7	41/7
35	امنیت ملی (حفظ کشور و ملت از دشمن)	7/5	4/2	9/2	26/7	52/5
36	دوستی حقیقی (داشتن روابط صمیمانه و عمیق با دوستان)	1/7	1/7	20	25/8	50/8
37	حفظ محیط زیست (حفظ طبیعت)	4/2	4/2	15/8	28/3	47/5
38	جهانی در صلح (رهایی از جنگ)	2/5	2/5	16/7	22/5	55/8

یافته‌های توصیفی پژوهش در زمینه سالمندان: یافته‌ها نشان داد که میانگین سنی سالمندان شرکت کننده در طرح 67.05 ± 6.5 بوده است که از این میان 65٪ آنان زن بوده‌اند. بیشتر آنان متأهل بوده (75.8٪) و حدود یک سوم آنان با تحصیلات ابتدایی و یا دیپلم بودند. از نظر توزیع شغلی بیشترین گروه را بازنشستگان شامل می‌شدند (33.3٪). قریب به اکثریت با منزل شخصی بودند (87.5٪) که با همسر خود زندگی می‌کردند (62.5٪). از این میان 32.5٪ با همسر و بقیه تنها زندگی می‌کردند. بیش از نیمی از آنان از نظر درآمد خود را در طبقه متوسط قرار دادند (60٪) و این در حالی است که هیچ کدام درآمد خود را خیلی خوب معرفی نمودند.

در ارتباط با ارزش‌های فردی نتایج بیانگر آن بودند که تقریباً بیش از 70٪ ارزشهای پرسیده شده برای آنان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بودند که تا حدودی مشابه جوانان بوده است. بطوری که با اهمیت ترین ارزش‌ها به ترتیب اهمیت از دیدگاه آنان عبارت بودند از: سلامت خانواده، سلامت فردی، وفاداری، مدیون کسی نبودن، احترام کردن به والدین و بزرگترها، محترم بودن و احترام به فرد. احترام کردن به عنوان یکی از حقوق اجتماعی انسانها در سالمندان بیش از جوانان با اهمیت تلقی می‌شده است. همانند جوانان ارزش‌هایی که در سالمندان از اهمیت کمی برخوردار بودند شامل: جاه طلبی و بلند پروازی، دل بستن به علائق دنیوی، تسلط بر دیگران، ثروت و مالکیت بوده‌اند. اگرچه در مواردی نظیر فرصت‌های مساوی برای همه افراد و احترام به سنتها در بین این دو گروه اتفاق نظر وجود نداشت.

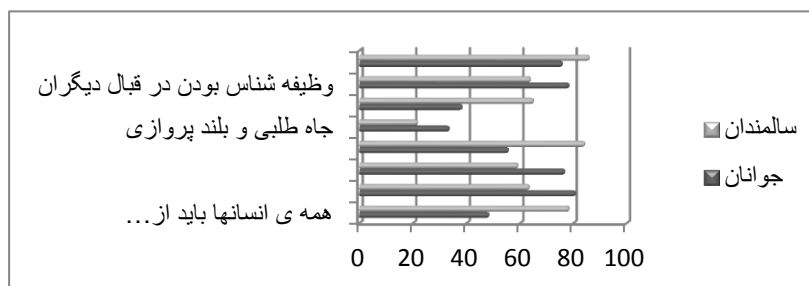
(جدول 2)

جدول شماره 2: توزیع درصد فراوانی دیدگاه سالمندان در زمینه ارزش‌های فردی در شهرستان بابل

ردیف	گروه ها	بی اهمیت	کم اهمیت	تا حدودی	نسبتاً مهم	خیلی مهم
1	همه ی انسانها باید از فرصت های مساوی برخوردار باشند	4/2	6/7	10/8	21/7	51/7
2	داشتن قدرت اجتماعی و تسلط بر دیگران حائز اهمیت است	33/3	10/8	14/2	19/2	22/5
3	تمایل دارم که دیگران به من توجه داشته باشند	19/2	3/3	15/5	22/5	39/2
4	بایستی از زندگی خود لذت برد	1/7	6/7	9/2	22/5	60
5	هر انسانی بایستی فردی شایسته و توانمند باشد	2/5	8/3	25/8	43/2	0

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دهم، شماره سی و هشتم، پاییز 1392

64/2	22/5	10	1/7	1/7	روابط با همسر باید همراه با صمیمیت، تعهد و هیجان باشد	6
68/13	18/3	6/7	0	6/7	نظم اجتماعی (برقراری نظم در اجتماع)	7
20	21/7	25	15/8	17/5	دل بستن به علایق دنیوی	8
70/8	20/8	5	0/8	2/5	مؤدب و محترم بودن	9
27/5	30/8	92/2	8/3	4/2	ثروت و مالکیت	10
70	23/3	4/2	1/7	0/8	احترام به فرد	11
75/8	15	5/8	1/7	1/7	مدیون کسی نبودن	12
47/5	29/2	15	5	3/3	خلاقیت (داشتن فکری خلاق)	13
28/3	30/8	15/8	17/5	7/5	داشتن یک زندگی هیجان انگیز و همراه با تغییر	14
50	34/2	11/7	1/7	2/5	احترام به سنت ها (حفظ آداب و سنتهای زمانهای مختلف)	15
59/2	30	6/7	1/7	2/5	مستقل بودن در کارها و تصمیم گیری (اتکا به خود)	16
84/2	8/3	4/2	1/7	1/7	سلامت فردی (از نظر جسمی و روانی)	17
14/2	10/8	0/8	0	4/2	سلامت خانواده (داشتن خانواده سالم از نظر جسمی و روانی)	18
55/8	27/5	13/3	2/5	0/8	شان مناسب اجتماعی (داشتن احترام و تایید از سوی دیگران)	19
44/2	25/8	20/8	5	4/2	معتدل و میانه رو (دوری از احساس و اعمال افراطی و تند)	20
77/5	15	31/3	1/7	2/5	وفاداری (در قبال همسر، خانواده، دوستان)	21
10/8	10/8	15/8	17/5	4/5	جاه طلبی و بلند پروازی	22
36/7	28/3	15/8	11/7	7/5	داشتن دید باز (تحمل عقاید و آرای مختلف)	23
61/7	20	6/7	6/7	5	متواضع بودن (مغرور نبودن)	24
50/8	29/2	10/8	5/8	3/3	برخورداری از روابط اجتماعی مناسب (داشتن تماس با مردم)	25
70	15	4/2	5/8	5	پاک بودن و ساده زندگی کردن	26
71/7	15	3/3	5/2	5/7	احترام به والدین و بزرگترها	27
60/8	24/2	7/5	4/2	3/3	داشتن زندگی هدفمند	28
39/2	39/2	13/3	4/2	4/2	پذیرش سهم خود از شرایط و زندگی خود	29
62/2	16/7	5	5/8	8/3	صادق بودن (بی ریا و مخلص بودن)	30
67/5	18/3	5	3/3	5/8	با گذشت (خواهان بخشش دیگران)	31
45/1	24/2	16/7	5/8	7/5	حفظ ظاهر (محافظت از دیدگاه و نظر خود در قبال دیگران)	32
62/5	18/2	6/7	4/2	8/3	وظیفه شناس بودن در قبال دیگران	33
57/5	23/3	8/3	4/2	6/7	مفید بودن (قدم برداشتن برای رفاه زندگی دیگران)	34
66/7	17/5	4/2	4/2	7/5	امنیت ملی (حفظ کشور و ملت از دشمن)	35
55	25	5/8	7/5	6/7	دوستی حقیقی (داشتن روابط صمیمانه و عمیق با دوستان)	36
69/2	16/7	4/2	7/5	2/5	حفظ محیط زیست (حفظ طبیعت)	37
65/8	16/7	4/2	3/3	10	جهانی در صلح (رهایی از جنگ)	38



بین دیدگاه جوانان و سالمندان در زمینه ارزش‌های فردی تفاوت معناداری وجود دارد. یافته‌ها توسط آزمون تی نشان داد که تفاوت معناداری بین ارزش‌های فردی سالمندان و جوانان وجود دارد ($t = 2.38$ & $P = 0.018$). نتایج بر آن بوده است که اگرچه در تمامی موارد مطرح شده جوانان و سالمندان اهمیت موضوع را اذعان داشته‌اند اما میزان اهمیت و نیز اولویت بندی آنان متفاوت بوده است. به عنوان مثال بیش از یک سوم سالمندان نسبت به داشتن قدرت اجتماعی و تسلط بر دیگران بی اهمیت بوده‌اند در حالی که این امر برای تنها 10.8٪ از جوانان بی اهمیت بوده است و برای بیش از نیمی از آنان مهم بوده است. به عنوان نمونه ای دیگر می توان به این گزینه اشاره نمود که " تمایل دارم دیگران به من توجه کنند که برای 19.2٪ از سالمندان این امر بی اهمیت بوده است در حالی که 10٪ از جوانان نسبت به آن بی اهمیت بوده اند و برای 82.5٪ آنان امری تاحدودی الی خیلی مهم بوده است. در زمینه امری نظیر جاه طلبی و بلند پروازی 45٪ سالمندان مورد اهمیت قرار نمی‌دادند در حالی که تنها 18.3٪ جوانان اعلام کردند که برایشان مهم نیست. موارد عکس نیز مشاهده شد. به عنوان مثال تنها 4.2٪ از سالمندان اعلام کردند که این امر که همه‌ی انسان‌ها باید از فرصت‌های مساوی برخوردار باشند امری بی‌اهمیت است در صورتی که 11.7٪ از جوانان بر این امر صحه گذاردند. (نمودار 1)

نمودار 1: مقایسه درصد تفاوت در دیدگاه جوانان و سالمندان در زمینه ارزشهای فردی

در زمینه ارتباطات موجود بین متغیرهای دموگرافیک و ارزش‌ها در کل نمونه‌ها اعم از جوانان و سالمندان نتایج آزمون تی نشان داد که ارتباط معناداری بین جنس و ارزش‌های خانوادگی وجود دارد به طوری که زنان دیدگاه موافق‌تری نسبت به ارزش‌های خانوادگی مطرح شده داشتند.

ارزش‌های فردی افراد دیده شده به طوری که برای افرادی که تحصیلات بالاتری داشتند

($t=4.173, p=.001$) در تحلیل واریانس نیز ارتباط معناداری بین میزان تحصیلات و نوع

($F=5.38, p=.003$) میزان اهمیت ارزش‌های فردی بیشتر بوده است.

بحث

همان گونه که عنوان شده، شکاف نسلی به عنوان اختلافی در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمند تعریف شده که موجب عدم فهم متقابل آنان از یکدیگر می‌شود. بیان تغییر ارزش‌ها و مطالعه‌ی آن در بین نسل‌ها به معنی آن نیست که این پدیده در طول یکی دو دهه‌ی اخیر به وجود آمده است. پدیده‌ی تغییر ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های آن در طول تاریخ از یک دوره به دوره دیگر از نسلی به نسل دیگر شکل گرفته و گسترش یافته است. چه بسا دست‌آوردهای نوین علمی در جوامع پیشرفته ناشی از تغییر جهت‌گیری‌ها و ارزش‌های نسل‌پسین در برابر نسل‌های پیشین بوده است. در طول دهه‌های اخیر به اقتضای ماهیت مناسبات اجتماعی و نظام فرهنگی جامعه تغییرات و جهت‌گیری‌های ارزشی با فراز و فرودهای مختلفی تداوم یافته و متحول شده است. اما به نظر می‌آید فرایند و عمق این جهت‌گیری‌ها در بین نسل‌های بعد از انقلاب بالاخص در بین جوانان و نوجوانان سرعت بیشتری دارد. نتایج نشان داد که بین دیدگاه جوانان و سالمندان در زمینه‌ی ارزش‌ها و نگرش‌های فردی تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج بر آن بوده است که اگرچه در تمامی موارد مطرح شده جوانان و سالمندان اهمیت موضوع را اذعان داشته اند اما میزان اهمیت و نیز اولویت بندی آنان متفاوت بوده است. با اهمیت‌ترین ارزش‌های فردی برای جوانان مدیون کسی نبودن و داشتن روابط صمیمانه و همراه با تعهد نسبت به همسر بوده است و برای سالمندان سلامتی خود و خانواده، وفاداری و همچنین احترام کردن به بزرگ‌ترها که یکی از حقوق اجتماعی انسان‌ها است بیشتر از جوانان اهمیت داشته است. بین دو گروه در زمینه‌ی حفظ محیط زیست، احترام به سنت‌ها و این که همه انسان‌ها باید از فرصت‌های مساوی برخوردار باشند، اتفاق نظر وجود نداشت.

اسمیت در مطالعه خود در زمینه شکاف نسل‌ها اشاره می‌کند که جوانان عمدتاً از لحاظ آزادی‌های

فردی والگوهایی اجتماعی با والدینشان تفاوت دارند. جوانان امروز از بسیاری از جنبه‌ها از جامعه بریده

شده‌اند. جوانان امروزه نسبت به مردمان گذشته بدگمان و عیبجو و منفی باف شده‌اند. آنها اعتماد کمتری به زندگی صادقانه، کمک به هم‌نوع و صلح دارند و به این ایده که افراد به طور ذاتی خوب هستند. وی می‌افزاید برخی چیزها تغییر کرده، بعضی چیزها به همان شکل باقی مانده است: هر نسل جدید در دوره تاریخی منحصر به فردی قرار دارد. فرایند جامعه‌پذیری در آنان دیدگاهی متفاوت از نسل‌های قبلی آنان بوجود آورده است و این تغییرات اجتماعی بر ورود آنان به دوران بزرگسالی تأثیر می‌گذارد. این تفاوت‌ها در نتیجه افزایش بدبینی، وجود نداشتن ارتباطات صحیح بین افراد در میان جوانان قابل مشاهده است (اسمیت، 2004) وی اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند که با وجود این تغییرات، جوانان امروز نه لزوماً نسبت به گذشته متمایزند، نه با دیگر گروه‌های سنی فرق دارند. نسل جوانان موفق همگی از یک فرایند تا حد زیادی مشابه بلوغ گذر کرده‌اند و با نهادهای کلیدی مشابهی شامل خانواده، آموزش و پرورش و کارفرمایان مطرح بوده‌اند. البته میزان این درگیریها متفاوت بوده است که امری قابل تأمل است. این امر بر دیدگاه پارسونز بر درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهایی که از سوی جامعه وارد می‌شود صحنه می‌گذارد. وی اظهار می‌دارد که از این طریق ارزش‌ها و هنجارها جزو اعتقادات درونی، امتیازات شخصی و انتظارات افراد از یکدیگر می‌شود. وی بیان می‌دارد که کنشگر در انتخاب ابزار جهت دستیابی به هدف، متأثر از شرایط زیستی، ارثی و محیطی و همچنین عقاید، باورها و نرم‌های جاری در جامعه می‌باشد. در بحث مربوط به ارزش‌های فردی این متغیر را می‌توان به صورت واضح‌تر در زمینه‌ی عقاید، باورها و نرم‌های جاری در جامعه بر طبق نظر پارسونز جستجو کرد. بنابراین متناسب با نظریه پارسونز جامعه‌پذیری و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها به تداوم فرهنگی و پیوند بین نسلی کمک می‌کند و ناتوانی در جامعه‌پذیری به شکاف نسلی منجر می‌شود.

توئینگ نیز معتقد است که در نتیجه تغییرات روزافزون آداب و رسوم اجتماعی، قوانینی را که سابقاً به عنوان قوانین ادبی مورد تأیید بود و نسبت به آن‌ها سخت‌گیری می‌شد دیگر وجود ندارد و صرفاً مختص نسل گذشته می‌باشد. در مقایسه با سالمندان، جوانان به میزان دو برابر احتمالاً با این ایده موافقت دارند که «تنها یک راه درست برای زندگی کردن وجود ندارد». این نسل خودش را درگیر قواعد آداب معاشرت نمی‌کند و ملزم به ایده‌های اخلاقی مانند «احترام به بزرگ‌ترها باعث آرامش فرد می‌شود» نمی‌باشد. تقلب در مدارس افزایش یافته است. کمتر احتمال می‌رود که اقتدار معلمان را به

رسمیت بشناسند. افراد جوان تمایل بیشتری برای مشارکت تجارب خود (مثبت و منفی) با جزئیات روشن با هر کسی که به سخنان آن‌ها گوش دهد دارند. کلام و لحن بی حرمتی به امری عادی تبدیل شده است. توئینگ استدلال می‌کند که یکی از عوامل اصلی تمایل جوانان به فرهنگ فردگرایی اعتماد به نفس کاذب آنان است که خانواده‌ها و مدارس ایجاد نموده است، این باور که «احساس خوب در مورد خودتان، مهم‌تر از عملکرد خوب است»، یک نتیجه‌ی منفی از تأکید بیش از حد بر اعتماد به نفس افزایش خودشیفتگی بوده است که در آن افراد بیش از حد بر روی خود متمرکز و نسبت به دیگران همدل نیستند. شاید این خودشیفتگی همراه با فرزند محوری از عوامل عمده این شکاف ارزشی باشند (توئینگ، 2006).

تفاوت موجود بین نسلها در زمینه ارزش‌های فردی و اجتماعی، در مطالعه ورما که در سال 2007 در زمینه شکاف نسلی و اینکه چه کسی در این زمینه مقصر است انجام شد نیز به تأیید رسیده است. وی اینگونه اظهار می‌دارد که نسل جوان به طور طبیعی در بسیاری از جنبه‌های فردی نظیر لباس پوشیدن، غذا خوردن و عادات فردی، اخلاق، ازدواج، سلیقه در هنر و موسیقی و در مجموع دیدگاه‌های کلی شان با نسل گذشته خود متفاوت است. وی علت بروز این تفاوت را دسترسی نداشتن نسل گذشته به امکانات امروز بیان می‌کند و تأکید می‌کند که این تعییرات نشان دهنده پیشرفت است. وی اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند که با گذشت زمان که جامعه دقیقاً از واحد خانواده تا کل جامعه و انسانیت در حال تغییر است چگونه می‌توان از نسل جدید خواست که دچار رکود یا حرکت به عقب به راه اجداد زندگی خود شود پس این شکاف لاجرم است و باید وجود داشته باشد (ورما، 2007). این تفاوت و شکاف در بسیاری از مطالعات دیگر نیز به تأیید رسیده است بطوری که در تحقیقاتی که pew در سال 2009 انجام داده شده است بدون در نظر گرفتن سن، در حدود دو سوم یا بیشتر از مردم بر این باور بودند که افراد مسن‌تر آمریکایی از نظر ارزش‌های اخلاقی، احترام به دیگران و اخلاق کاری با نسل جوان تفاوت دارند و دیدگاهشان بهتر از نسل جوان است. ربانی و صفایی نژاد نیز در مطالعه خود در زمینه شکاف نسلی در بعد ارزش‌های اجتماعی بر وجود این شکاف صحه گذارده اند (ربانی و دیگری، 1382). آزاد ارمکی نیز معتقد است که جوانان از لحاظ نحوه گذران اوقات فراغت، دوست یابی، علایق و نیازها توجه

به زندگی خانوادگی و... با سالمندان متفاوت‌اند. اما تفاوت به گونه‌ای نیست که نشان دهنده رویارویی دو نسل باشد و آنها را در مقابل یکدیگر قرار دهد (آزاد ارمکی و دیگری، 1379).

تفاوت و شکاف در ارزش‌های فردی و اجتماعی در مطالعه قاضی نژاد که در زمینه نسل‌ها و ارزش‌ها و بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی گرایش‌های ارزشی نسل جوان و بزرگسال انجام شده است نیز مورد بررسی قرار گرفته و اینگونه اعلام شده است که هر چند برخی شباهت‌های ارزشی به ویژه در زمینه ارزش‌های مرتبط با سطوح اجتماعی و ملی نظری نظم و امنیت، همکاری و توسعه در میان سه نسل وجود دارد، در حضور شمار قابل ملاحظه‌ای از تحولات و جهت‌گیری ارزشی نظیر ارزش‌های مربوط به اعتقاد و پایداری مذهبی، رقابت و سبقت‌جویی، آینده‌نگری، تأمل، جهت‌گیری مثبت نسبت به دیگران و نیز جهت‌گیری ارزشی فردگرایانه و مجموعه ارزش‌های ابزاری و شیوه‌های رسیدن به تمایلات ارزشی، بین سه نسل و عمدتاً بین نسل‌های سوم (جوان) و دوم (میانه) تفاوت جدی و معناداری وجود دارد. وی اینگونه نتیجه‌گیری کرد که هر چند تفاوت مشاهده شده به اندازه‌ای بزرگ نیست که بتوان در حال حاضر آن را به عنوان شکاف یا گسست نسلی تعبیر نمود و مساله فعلی جامعه ایران در بعد ارزش‌ها بیشتر تفاوت نسلی است تا شکاف نسلی (قاضی نژاد، 1383).

اگر در گذشته روند جامعه‌پذیری عمدتاً توسط خانواده، مدرسه و نهادهایی انجام می‌شد که نسل پیشین همچون پدر و مادر، معلم، واعظ و معتمد در این انتقال فرهنگی نقش ایفا می‌کردند، دسترسی گسترده به امکانات نوین تکنولوژیکی، نسل جدید را در جریان تحولات تازه‌ای قرار داده است، بدین ترتیب با تغییر مبانی ورود گزاره‌های ارزشی، نظام ارزشی این نسل نیز متفاوت از نسل پیشین شده است. نسل امروز، به ویژه از طریق رسانه‌های نوین به ویژه اینترنت، تجربه‌ای دارند که نسل‌های پیشین نداشته‌اند و آن هم تجربه روابط دموکراتیک است. اینترنت برای این نسل حکم حوزه عمومی، حوزه بحث و تبادل نظر آزادانه فارغ از عوامل سلطه و تبعیض را داشته است. البته بی‌تردید چنین فراغتی از سلطه و تبعیض هیچ‌گاه مطلق نبوده و نیست و در بهترین شرایط هم تحقق نسبی می‌یابد. ضمن اینکه همیشه هم از جانب قدرت در معرض تهدید بوده است. اما در مقام مقایسه، این نسل در ایران تجربه‌ای کم نظیر دارد. اگر دموکراسی برای نسل‌های پیشین، دست کم از جنبش مشروطه به بعد، آرمان بوده و

بنابراین با انواع اوهام و خیالات در آمیخته، نسل امروز در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی تجربه‌ای زیسته از آن دارد و با آن اُخت شده. با این وصف این نسل سلطه و تبعیض را در زندگی اجتماعی نمی‌پذیرد و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد. دیگر روابط موجود در خانواده سنتی برایش پذیرفتنی نیست. در این شرایط خانواده سنتی، که در آن پدر تسلطی به نسبت کامل بر فرزندان داشت، جای خود را به خانواده دموکراتیک می‌دهد که دغدغه‌اش نه حفظ تسلط یکی بر دیگران، که توزیع قدرت است. تحولات تکنولوژیکی به هر حال تحولات اجتماعی را پدید خواهد آورد. از جمله در مهم‌ترین نهادهای اجتماعی که کارکردشان جامعه‌پذیر کردن افراد است؛ یعنی نهادهای خانواده، آموزش و رسانه. از همین طریق است که ارزش‌های منتقل شده به افراد نسل امروز در سایه این تحولات متفاوت از نسل‌های پیشین است.

سخن کوتاه که تغییر دائمی، اجتناب ناپذیر است و امری مذموم و ناپسند شمرده نمی‌شود اما نبود سیستمی برای جذب تغییرات و بومی کردن آن، نابرابری دسترسی به اطلاعات، انجماد فکری درباره لزوم پذیرش تحول و بدبینی در خصوص مظاهر دنیای جدید، تغییرات گسترده و عمیق را عامل شکاف در میان نسل‌ها تبدیل می‌کند. در کشور ما نیز همانند دیگر ملل و بویژه کشورهای در حال توسعه، فاصله‌ی نسل‌ها و تبعات ناشی از آن در شئون زندگی فردی و اجتماعی افراد بوضوح عیان است و لزوم چاره‌اندیشی برای آن از کسی پوشیده نیست. نسل‌های تازه در زندگی اجتماعی با تغییرات دائمی مواجه می‌شوند، و این تقابل و سردرگمی موجب پرسشگری می‌شود و اگر پاسخ‌ها قانع‌کننده نباشد یا حداقل به زبانی قابل فهم برای نسل جدید ارائه نشود، بر فاصله می‌افزاید، پرسشگران به پرسشگرانی می‌پیوندند و در مقابل کسانی که پرسش نمی‌کنند و پاسخی هم برای پرسشها ندارند صف می‌آرایند. نتایج پژوهش حاضر در شهر بابل نشان می‌دهد که وضعیت نسلی در این شهر به گونه‌ای است که نه می‌توان بطور قاطع از شکاف نسلی سخن گفت و نه از تفاوت نسلی (عدم شکاف).

منابع

- آزاد ارمکی، ت و دیگری. (1379). بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی، **فصل نامه علوم اجتماعی**. شماره 16، ص 3-29.
- آزاد ارمکی، ت. (1386). فرایند تغییر نسلی، بررسی فراتحلیلی در ایران، جوانان و مناسبات نسلی. **فصل نامه علوم اجتماعی**. شماره اول، 1386، ص 61-68.
- آزاد ارمکی، ت. (1386). فرایند تغییر نسلی، بررسی فرا تحلیل در ایران، جوانان و مناسبات نسلی. **فصل نامه علوم اجتماعی**. شماره اول، بهار و تابستان، ص 30.
- آزاد ارمکی، ت. (1388). ص 159 تا 178
- استونز، ر. (1379)، **متفکران بزرگ جامعه شناسی**. ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- عباسی، خ و دیگری. (1386)، تبیین جامعه شناختی گرایش نوجوانان به فرهنگ غربی. **جوانان و مناسبات نسلی**. شماره اول، ص 113-140
- باتامور، تی بی. (1370)، **مبانی جامعه شناسی**، ترجمه حسن منصور، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- توکل، م و دیگری. (1385). شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه شناسی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو، **مجله نامه علوم اجتماعی**. شماره 27، 95-124.
- توسلی، غ. (1378)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی**. تهران: انتشارات سمت

- ریتزر، ج. (1374). **بنیان های جامعه شناختی**. ترجمه دکتر تقی آزاد ارمکی، تهران: نشر سیمرغ، چاپ اول.
- ربانی، ر و دیگری. (1382). فاصله نسلی با تأکید بر وضعیت دینداری و ارزش های اجتماعی مطالعه موردی شهر دهدشت در سال 1382. **مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان**. سال 2، شماره 19، ص 20-21.
- ستار، آ. (1388). **بررسی گسست و پیوند نسلی از دیدگاه اجتماعی، کند و کاو در مسائل جوانان و مناسبات نسلی، به اهتمام گروه پژوهشی مطالعات جوانان و مناسبات نسلی**. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- عابدینی، ص. (1385). بررسی نگرش نسبت به شکاف و عوامل مرتبط با آن (مطالعه موردی شهر تبریز)، **فصل نامه تخصصی علوم اجتماعی**. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال. سال سوم، شماره شانزدهم، ص 78-101
- قاضی نژاد، م. (1383). **مجموعه مقالات گسست نسل ها. پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی**. مقاله در کتاب.
- معیدفر، س. (1383). شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران)، **فصل نامه علوم اجتماعی**. شماره 24، ص 80-55.
- معیدفر، س. (1387). **جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران**، تهران: نشر نور علم.
- نراقی، ا. (1355). **جامعه، جوانان**. دانشگاه، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی، چاپ سوم.
- یعقوبی، ا. (1386). مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تغییر نگرش دو نسل (مادران- دختران) نسبت به ارزش های اجتماعی (مطالعه ای در شهر میاندوآب). **پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

Smith. T.W, (2004). The Generation Gap Revisited, Network on transitions to adulthood, Issue 6. Available at: <http://transitions.s410.sureserver.com/wp-content/uploads/2011/08/chap-6-formatted.pdf>

Verma.MS.(2007). Generation gap: Who is to blame? Available at: <http://www.merineews.com/catFull.jsp?articleID=128332>

.Schwartz, S.H., & Bardi, A. (2001). Value hierarchies across cultures: Taking a similarities perspective. *Journal of Cross cultural Psychology*, 32(3):268 - 290

.Twenge,J.M. (2006). *Generation Me*. Free Press (Simon & Schuster) Executive Summary prepared by Steve Eubanks,(originally for distribution at Azusa Pacific University, 4/06; revised for general release 8/06)

Archive of SID